

روزنامه همدان

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۱ - ۶ ذیحده ۱۴۴۳ - ۶ ژوئن ۲۰۲۲ - شماره ۱۹۴۸ - سال ششم
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضرب کیفیت ۶۷۴
www.hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli
مدیر مسئول: ولی الله شجاعپوریان
سردبیر: فضل‌الله یاری
چاپ: ۴۴۵۳۳۷۲۷ - ۰۲۱
نشانی: تهران - میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی - کوچه مهر - پلاک ۶ - طبقه اول - واحد ۳
تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

یادداشت

رنگین کمان تضادها

باشد و نه نرم و دل‌فریب؛ شبیه گلبرگ‌هایی که با لوندی کنار همدیگر به دلربایی نشسته‌اند. با نگاهی به آدم‌های درون پارک باز هم فکر می‌کنم ما آدم‌ها هم همین‌گونه هستیم.

با کنار هم دیگر قرار گرفتنمان به تکامل رسیدن یکدیگر کمک می‌کنیم. فرق نمدار زن یا مرد؛ هرکسی برای اینکه نیمه دیگر لیوان خود را پر کند به انسان دیگری نیاز دارد. اصلاً انسان‌ها با همه متضاد بودنشان است که دنیا را به افکار و عقیده‌های مختلف رنگ‌آمیزی کرده‌اند و هر کدام اگر بخواهیم واقع‌بینانه به آن نگاه کنیم زنجیروار هر رنگی به رنگ دیگر وصل شده و رنگین‌کمان ندای ما آدم‌ها را تشکیل داده است. به قولی گفتنی: تا اشکی نباشد خنده‌ای پیدا نیست و زشتی نباشد زیبایی به چشم نمی‌آید.

ولی همه این‌ها در کنار هم به تشکیل اجتماعی تکامل‌یافته کمک می‌کند. با صدای مردی که برای فروش بادکنک‌هایش بلند فریاد می‌زند: بادکنک بادکنک رنگی، از تونل افکارم سر بیرون می‌آورد و به کودکانی که برای خرید بادکنک‌های رنگی اطراف مرد فروشنده را پر کرده‌اند؛ نگاه می‌کنم.

دل‌م از دیدن هیجان کودکانشان برگشتن به روزهای کودکی‌ام را می‌خواهد. از روی نیمکت بلند می‌شوم و به سمت مرد بادکنک فروش می‌روم. کنار کودکان دیگر می‌ایستم تا نوبت من برسد.

بالاخره بعداً اینکه کودکی بادکنک آبی‌رنگی را از دست مرد می‌گیرد و به سمت دیگر پارک می‌دود، نوبت من هم می‌رسد. با انگشت به بادکنک رنگارنگی اشاره می‌کنم و می‌گویم: لطفاً آن بادکنک رو بهم بدهید. مرد فروشنده با تعجب به من و اطرافم نگاهی می‌اندازد و بدون هیچ حرفی بادکنک را به دستم می‌دهد.

می‌دانم که با خودش می‌گوید دختری به این بزرگی بادکنک می‌خواهد چکار؟ اما نمی‌داند که کودکی درون من هنوز با شیطنت بادکنک رنگارنگی طلب می‌کند.

پولش را پرداخت می‌کنم و با شادی‌ای که با لبخند به روی لب‌هایم خودنمایی می‌کند با بادکنکی رنگارنگ در دستم آرام از پارک خارج می‌شوم.

کتابخانه ادبیات

یک گزارش جامانده از نمایشگاه کتاب تهران

ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران

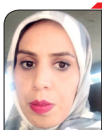


فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

ناشرانم مرا گفتند: «بهر آن است که زودتر شال و کلاه کنید و به نمایشگاه کتاب بیاید...» چند کار به تعویق افتاده داشتیم که هنوز بعد از بیست و اندی روز بر زمین گذشتم‌ام ولی رتقم و آمدم، چند سال بود که دوستانم را ندیده بودم و دوست داشتم حاصل کار و حاصل عمرم را درو کنم و بسردارم و ببینم، رفتم و آمدم. مثل همیشه شلوغ بود و حواشی شلوغ‌تر، در ازدحام جمعیت بودم. با دوستی اول قرار داشتم که او را ببینم. می‌خواستم تندوتیز از کنار انتشاراتی که کتاب داشتم بگریزم ولی وقتی دوستم گفت: با این شمایل و هیکل در هر جا دیده می‌شوی، عنان را گران کردم و بعد آهسته‌تر به اطراف‌واکناف نگریستم. روی علامتی مرا می‌دیدند و دیدار میسر می‌شد و بوس و کنار هم و جوانان و میان‌سالان و پیرانی هم در این میان می‌دیدم که کتابی در دست داشتند و به دنبال ناقد می‌دویدند و گاهی با جسارت بیش‌تر گوش می‌دادند. هر دو را به رفیقشان می‌دادند و از من می‌خواستند که شعری را از آن‌ها تلاوت کنم. عرق از چهارستون بدنم سرازیر شده بود و راه گریز و جای سستی نداشتم. دوست مهربان من، مرا به سمت روشویی‌ها هدایت کرد و گفت: «رو آبی به گل‌های مبارکت بزن و چند صبحی در آنجا بنشین شاید حالت به شود. صف طولانی‌تر از صف خریداران کتاب بود. خواستم برگردم که کاتبی فرهنگور از کنارم

داستانک



فرزانه امجدی

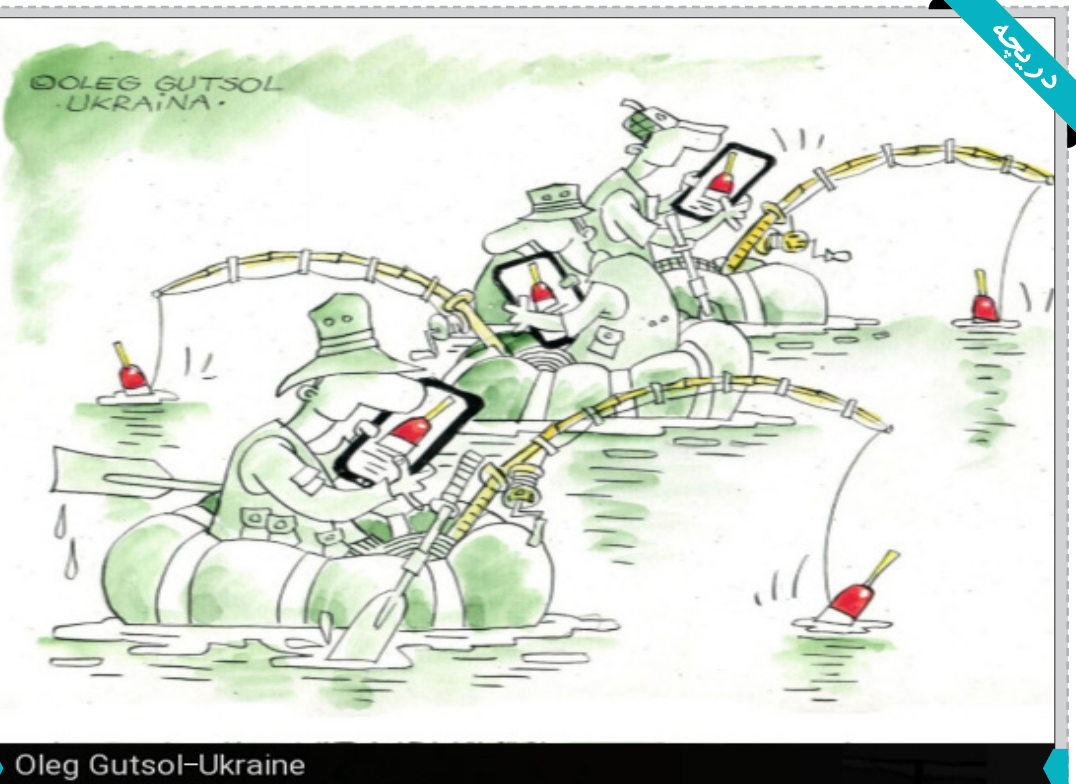
نویسنده

با روی پدل دستگاه شماره انداز بانک زدم. شماره ۶۲. شماره را برداشتم و نگاهی به اطراف انداختم. بانک نسبتاً خلوت بود. آمدم بنشینم روی صندلی که نوبتم بشود. نگاهم به صندلی ردیف‌های وسط بانک افتاد؛ که با برجسب قرمز علامت ضرربرد خورده بود. فاطمه خانوم میشه اون چهارپایه را بیازید؛ تا جیب‌های شیشه‌ها بزنم. بله حسین آقا. مینو جون بدو برو چیچی را بیا بفرمایید عمو حسین. قریون دختر خوشگلم ممنون. عمو حسین، بله. میشه به من کمک شما چسب‌ها را ببرم. ببر مینو جون. لیم را کشید. عمو حسین. امروز توی مدرسه ما هم باباعلی داشت شیشه‌ها را چسب می‌زد. یعنی این چسب‌ها کمک می‌کند که موقع بمباران شیشه‌ها نریزد؛ یا ولی بهتره وقتی که صدای زوپر قرمز را بشنیدی با پناهگاه یا زیرزمین یا فضای باز بری، عمو عمو جون. تمام شیشه‌ها که علامت ضرربرد شد علامت تفریق و تقسیم و جمع هم می‌گذاشتیم. عمو حسین خنده‌ای کرد و گفت: «نه نمیشه مینو جون این طوری احتمال اینکه شیشه نریزه کمتره.» راستی عمو

چیز

«مهدی مداینی» مصحح و پژوهشگر ادبیات در گذشت

کارش را دنبال کرد. تصحیح داستان «رستم و سهراب» و «سپاوش» با همکاری مهدی قریب، تصحیح «هفت لشکر» همراه با مهران افشاری، تصحیح «ظفرنامه» عبدالله مستوفی که جلد اول آن را به تنهایی انجام داد و باقی مجلدات را با همکار مهران افشاری دنبال کرد، تصحیح «دیوان عطار» و همچنین تصحیح «چهارده رساله در باب قنوت و اصناف» با همکاری مهران افشاری، از تلاش‌های زنده‌یاد مداینی برای تصحیح متون مهم ادبیات ایران است. مهدی مداینی ۱۴ خرداد در بهشت سکنیه کرج به خاک سپرده شد.



Oleg Gutsol-Ukraine

روزنامه

ازبس که بیازد دل دشمن و دوست گویی به گناه مسخ کردندش پوست وقتی غم او بر همه دل‌ها بودی اکنون همه غم‌های جهان بر دل اوست

منتقد کتابک

خبر شرط:

در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معینی برای بایع یا مشتری یا هر دو شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد.

مجازستان

● قدیم با ۱۰ تومن زن می‌گرفتن خونه زندگی می‌ساختن زندگی می‌کردن. الان با ۱۱۰ تومن به کتاب می‌خری زندگی‌نامه اونارو می‌خوانی. (امیرام) ● شما وقتی میرین مغازه و از جنساش خوشتون نمید چجوری می‌پوچونین؟ من هنوز از همون روش قدیمی استفاده می‌کنم، گوشیم رو برمی‌دارم میگم یا خدا زودتر رنگ بزنین آتش نشانی تا خودمو می‌رسونم. (خلافکار)

● از مزایای بیسی فیس بودن اینکه که فامیلیات نمیدون ۲۶سال سن داری و همش گیر بدن به اینکه چران نمی‌گیری. همش می‌پرسن درس و مشقو چیکار می‌کنی عمو. (ساکن کوچه علی‌چپ)

● نصف بچگیم همش به فکر اینکه این بقلا چطوری اون همه چیسی و بفقو شکلاتو خودشون نمیشین بخورن گذشت: (Alireza)

کتابخانه

تغییرات عجیب

در گردش خون فضاوردان

نیروی گرانش تأثیراتی روی بدن انسان‌ها می‌گذارد که یکی از مهم‌ترین این تأثیرات، تغییراتی است که در جریان خون افراد اتفاق می‌افتد. وقتی تصاویری از فضاوردان نشاورد از اطراف ایستگاه فضایی بین‌المللی را مشاهده می‌کنید، می‌توانید متوجه شوید که چیزی در مورد آن‌ها متفاوت است. اگر از نزدیک به‌صورت آن‌ها نگاه کنید، ممکن است رگ‌های رازی گردن آن‌ها برآمده یا پف‌کرده روی صورت آن‌ها ببینید. بدن ما با گرانش زمین رشد کرده است به گفته ناسا، بدن ما بدون سطح گرانش معمولی هیچ نیروی خارجی برای مقابله با آن ندارد. بنابراین سیستم قلبی عروقی «متصل» می‌شود. اینجا روی زمین، نیروی گرانش، خون و سایر مایعات بدن را به سمت شکم و پاها می‌کشد. به همین دلیل است که ایستادن طولانی‌مدت باعث تورم پاها و مچ می‌شود؛ اما بدون آن نیروی گرانشی در فضا خون در عوض به قفسه سینه و سر فشار می‌آورد. جابجایی مایع در واقع باعث می‌شود قلب و رگ‌های خونی جریان خون کمتر از حد طبیعی داشته باشند که به‌نوعی خود باعث پف‌کرده و برآمدگی رگ‌ها در فضاوردان می‌شود. این کمبود کلی جاذبه به‌طور چشمگیری بر بدن و سیستم گردش خون تأثیر می‌گذارد. ناسا و سایر آژانس‌های فضایی در سراسر جهان زمان و تلاش زیادی تا تأثیری که زندگی در فضا بر بدن می‌گذارد کمک کنند. به گفته ناسا، خون در فضاوردان مانند کاهش کشش شناویی، نامطلوبی بر سلامت داشته باشد، مانند کاهش فشار مغز که منجر به تورم مغز می‌شود و تغییر شکل چشم به نام سندرم عصبی چشمی مرتبط با پرواز فضایی (معروف به SANS). کمبود گرانش باعث تحلیل رفتن ماهیچه‌ها می‌شود و شکل قلب از شکل معمولی بیضی که روی زمین دیده می‌شود به یک توپ گرد تغییر می‌کند. هنگامی که فضاوردان به زمین مملو از جاذبه بازمی‌گردند، خون و مایعات به داخل شکم و پاها کشیده می‌شوند. این جابجایی مایع و سایر تغییرات در بدن، کنترل افت فشارخون را برای آن سخت‌تر می‌کند. این می‌تواند باعث سرگیجه و گاهی غش برخی فضاوردان شود که به آن عدم تحمل از‌توانستایی می‌گویند. باید توجه کرد که بدن‌ها با هر محیطی که در آن قرار می‌گیرند سازگار می‌شوند و تغییر مداوم محیط می‌تواند برای انسان‌ها در فضاوردان سازش‌ناپذیر باشد.

فناور

روسیه باز بازار فضا را هم از دست داد

ناسا با خرید خدمه فضایی از شرکت اسپیس ایکس، برای ارسال بیشتر فضاوردان به فضا نیازی به روسیه ندارد. بر اساس گزارش‌ها، آژانس فضایی ناسا پنج فضاپیما با فضاورد از شرکت SpaceX خریداری کرده است. به همین علت پیش‌بینی می‌شود این آژانس فضایی برای ارسال فضاوردان بیشتر به فضا، دیگر از روسیه کمک نگیرد. ناسا قصد استفاده از استارلاینر بوئینگ را دارد تا با آن مأموریت‌های فضایی جدید خود و اسپیس ایکس را انجام دهد. به همین علت این فضاپیما برای ناسا و شرکت اسپیس ایکس اهمیت زیادی دارد. پروازهای اضافی می‌توانند در سال ۲۰۲۶ مورد استفاده قرار بگیرند. اگر مشکلی مانع از پرتاب به‌موقع بوئینگ یا اسپیس ایکس شود، این پروازها می‌توانستند فضایی بین‌المللی را ایمن نگه می‌دارند. در حال حاضر، SpaceX تنها شرکت خصوصی است که مجوز پرواز فضاوردان را دریافت کرده البته انتظار نمی‌رود بوئینگ اولین مأموریت عملیاتی خود را تا سال ۲۰۲۲ انجام دهد. اگر ناسا پروازهای بیشتری را سفارش ندهد، این شرکت شانس بزرگ خود را برای یکپارچه‌سازی SpaceX از دست خواهد داد. ترتیب فعلی در مجموع ۱۴ مأموریت Crew Dragon در مقابل تنها شش سفر Starlin-er فراهم می‌کند. غنول هوافضا بخش بزرگی از تجارت بالقوه خود را به یک تازه‌وارد نسبتاً از دست خواهد داد.